

Desirable Shia from the Perspective of Imam Sadiq with a Critical Approach to the Extremism of Some Shiites

Received: 2023/10/06

Accepted: 2023/11/20

Mahmood Sarafraz*

(137-154)

One of the challenges of today's society is radical Shiism, which is emerging in the form of currents such as English Shiism. The problem is that the wrong understanding of the concept of Wilāyat and love has caused some Ahl al-Bayt lovers to ignore and indulge in their behavior and speech and perform their religious duties. In such a way that sometimes it has led to exaggeration and exaggeration and sometimes to immorality and justifying the commission of sin by thinking that the sin can be removed with the love of Ahl al-Bayt. On the other hand, the wrong view of hatred of the enemies of the Ahl al-Bayt also leads to extreme confrontations and divisive and sometimes violent behavior. In order to solve this problem, we must answer the question, who is the desired Shia of Imam Sadiq and what are his expectations from the true Shia? The life of the Prophet and the Ahl al-Bayt is based on reason and logic, observing Islamic ethics, the principle of Muslim brotherhood and unity, and avoiding excesses.

Keywords: Shia, Mohib, Imam Sadiq, Hypocrisy, Extremism.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* PhD in Shia Studies, Faculty of Shia Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran,
m_sarafraz110@yahoo.com.



سال اول / شماره اول / بهار و تابستان ۱۴۰۳

شیعه مطلوب از منظر امام صادق علیه السلام با رویکرد انتقادی به افراط‌گرایی برخی شیعیان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

محمود سرافراز*

(۱۳۷-۱۵۴)

چکیده

یکی از چالش‌های جامعه امروز، تشیع افراطی‌گری است که در قالب جریان‌هایی مانند تشیع انگلیسی‌بروز و ظهور دارد. مشکل اینجاست که تلقی نادرست از مفهوم ولایت و محبت، موجب بی‌توجهی و افراط برخی دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام، در رفتار و گفتار و انجام تکالیف دینی شده است؛ به‌گونه‌ای که گاه به غلو و افراط و گاه به اباحی‌گری و توجیه ارتکاب معصیت به گمان رفع گناه با حب اهل بیت علیهم‌السلام منجر شده است. از سوی دیگر، نگاه نادرست به تیزآ و بی‌زاری از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام نیز به برخوردهای افراطی و رفتارهای تفرقه‌انگیز و گاه خشونت‌زایی انجامد. برای حل این مشکل باید به این پرسش پاسخ داد که شیعه مطلوب و مورد نظر امام صادق علیه السلام کیست و ایشان چه انتظاراتی از شیعه حقیقی دارند؟ سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم‌السلام بر عقل و منطق و رعایت اخلاق اسلامی و اصل برادری و وحدت مسلمانان و پرهیز از افراط و تفریط استوار است. جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری بوده و روش تحقیق آن توصیفی و تحلیلی است؛ بدین منظور، شاخصه‌های رفتاری افراط‌گرایی و نمونه‌هایی از روایات امامان معصوم علیهم‌السلام با هدف تبیین شیعه واقعی و مطلوب ایشان بررسی و تحلیل شد و دریافتیم که ویژگی‌ها و انتظارات امام معصوم از شیعه مطلوب، بیشتر ناظر به ویژگی‌های رفتاری شیعیان است و رستگاری انسان در گرو ایمان و عمل است. تشیع، اعم از محبت و مودت اهل بیت علیهم‌السلام است. صرف ادعای محبت به خدا، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم‌السلام، نه موجب رستگاری است و نه مجوزی برای افراطی‌گری و خشونت و تکفیر مخالفان و شیعه مطلوب سنخیتی با افراطی‌گری ندارد.

واژگان کلیدی: شیعه، محب، امام صادق علیه السلام، غلو، افراط‌گرایی.

*. دانش‌آموخته دکتری شیعه‌شناسی، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران،

مقدمه

افراط و تفریط همواره در هر اندیشه، آیین و مذهبی وجود داشته و در هر دوره برخی پیروان آیین‌ها و ادیان و مذاهب مختلف، دچار آن بوده‌اند. آیین تشیع نیز از این آسیب مصون نمانده و در طول تاریخ خود، برخی آموزه‌های شیعی با این مسئله روبه‌رو بوده است.

از میان فرقه‌های اسلامی، گروه‌هایی که قائل به امامت و خلافت بلافصل امام علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و معتقدند که امامت از فرزندان ایشان خارج نمی‌شود، شیعه نام دارند. (شهرستانی، ۱۳۶۴، ۱: ۱۶۹) در بین فرق شیعی، گروهی که به امامت دوازده امام از امام علی علیه السلام تا حضرت ولّی عصر علیه السلام معتقد باشند، شیعه دوازده امامی یا جعفری نام دارند. به سبب فرصتی که در دوران امامت امام جعفر صادق علیه السلام برای تعلیم و نشر معارف اسلامی فراهم شد، بسیاری از آموزه‌های ناب اسلامی و شیعی و نیز بخش اعظمی از احادیث شیعی از آن حضرت به عالم اسلام گزارش و روایت شده است.

تولّا و تبرّا و محبت و ارادت به عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، مهم‌ترین شاخصه‌ها و ویژگی‌های فرقه‌های شیعی است. اما پرسش این است که شیعه حقیقی کیست و آیا تنها حب و علاقه و ارادت در اثبات ادعای تشیع و پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کافی است؟ اشکال اینجاست که از طرفی، تلقی نادرست از مفهوم محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام موجب ایجاد این تصور نادرست شده که محبت اهل بیت علیهم السلام اکسیری است که بدون هیچ ضمیمه و پیوست و به‌تنهایی، نجات‌بخش و موجب رستگاری است. این باور می‌تواند در افراد ناآگاه و ناآشنا به معارف دین، آسیب‌زا باشد؛ به‌گونه‌ای که در پایبندی آنان به شریعت، با انجام کامل واجبات و ترک محرّمات، سستی و بی‌تفاوتی ایجاد کند؛ به‌صورتی که به صرف داشتن محبت اهل بیت علیهم السلام، انجام هر کاری را بی‌توجه به اوامر و نواهی شرعی جایز بدانند و به ورطه اباحی‌گری و تفریط بیفتند؛ برخی هم با ادعای تشیع، خود را شیعه حقیقی و راستین دانسته و با تندروی و افراط، آتش تفرقه و اختلاف میان شیعه و سنی را برافروخته‌تر سازند و با تکفیر دیگر مذاهب اسلامی، به هر مخالفی بتازند، چه شیعه و چه سنی.

درحالی که روایات گزارش شده از امامان معصوم علیهم السلام، به ویژه امام صادق علیه السلام در تبیین ویژگی‌های شیعه و انتظاراتی که از یک مسلمان شیعی دارند، حاکی از آن است که آنچه امام

شیعه مطلوب از منظر امام صادق علیه السلام با رویکرد انتقادی به افراط‌گرایی... / سرافراز (۱۳۷-۱۵۴) / ۱۳۹

از شیعه واقعی و مطلوب ترسیم می‌فرمایند، فراتر از علاقه‌مند و محب است. تشیع عین اسلام ناب است و شیعه با رفتارهای افراطی و غیرعقلانی و بی‌منطق و گاه مخالف با آموزه‌های اسلامی سنخیتی ندارد.

جریان افراطی‌گری در شیعه، در طول تاریخ افت و خیز داشته و در دوره معاصر نیز با سیاست‌های خصمانه و توطئه‌های استکباری دشمنان اسلام، به‌ویژه انگلیس، در قالب‌های مختلف در دنیای اسلام، چه اهل سنت و چه شیعه، بروز داشته و اگر وهابیت در حجاز سر بر می‌دارد و بهاییت در جامعه شیعی ایران تأسیس می‌شود، ثمره همین سیاست‌های خصمانه و نتیجه نفوذ دشمنان اسلام و به‌ویژه انگلیس است. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی تمرکز بر فرقه‌گرایی در تشیع و ایجاد تفرقه در میان شیعیان نمود بیشتری دارد.

تشیع انگلیسی از مصادیق تشیع افراطی امروزی و از تهدیدهای جدی علیه شیعه و اسلام ناب است. این جریان با پشتیبانی همه‌جانبه مالی، رسانه‌ای و اطلاعاتی انگلستان حمایت و ترویج می‌شود و با تفرقه‌افکنی و پیوند «شیعه» با خشونت، آن را در برابر دیگر فرق و مذاهب اسلامی قرار می‌دهد. این جریان با تندروی و خشونت در برخورد با اهل سنت و حتی برخی شخصیت‌های شیعی، در مسیر تحقق خواسته‌های دشمنان اسلام و شیعه عمل می‌کند. درعین حال، با جهاد و شهادت میانه‌ای ندارند و هیچ‌گاه مردم را برای مبارزه با داعش و مخالفت با اشغالگری اسرائیل درباره فلسطین تشویق نکرده، بلکه با اسلام انقلابی نیز مخالفت می‌کنند. (مسائلی، ۱۳۹۸، ۹۱)

این نوشتار با توجه به فرمایشات معصومان علیهم السلام، به‌ویژه امام جعفر صادق علیه السلام در این زمینه، به تبیین شیعه مطلوب از منظر ایشان پرداخته و بررسی خواهد کرد که شیعه واقعی کیست و چه ویژگی‌های رفتاری دارد و آیا صرف محبت و ارادت به اهل بیت علیهم السلام به تنهایی و بدون پایبندی و التزام عملی به دستورات شرع مقدس اسلام می‌تواند نجات‌بخش و تأمین‌کننده سعادت و رستگاری انسان باشد یا خیر؟

۱. پیشینه تحقیق

با فحص و بررسی های انجام شده، مشخص شد کتاب ها و مقاله هایی نزدیک به این موضوع به چاپ رسیده اند که به نمونه هایی از آن ها اشاره می شود:

۱. نعمت الله صالحی نجف آبادی، غلو (درآمدی بر افکار و عقاید غالیان در دین)، تهران، نشر کویر، ۱۳۸۵. این اثر کتابی است که به زبان فارسی، غلو در دین و عوامل پیدایی آن را بررسی کرده است. کتاب مشتمل بر یک مقدمه و دو فصل بدین ترتیب است: در فصل اول به تعریف غلو و نمونه هایی از غلو درباره شخصیت ها و کتب می پردازد و در فصل دوم عوامل پیدایی غلو درباره ائمه علیهم السلام را بررسی می کند.

۲. سیدکمال حیدری، الغلو: حقیقة و اقسامه (غلو: حقیقت و اقسام آن)، ترجمه پژوهشکده حج و زیارت، تهران، نشر مشعر، ۱۳۹۱. این کتاب مشتمل بر چهار مبحث است: ۱. غلو در لغت و استعمال شرعی؛ ۲. عوامل و پیشینه های پدیده غلو؛ ۳. گفتارهای غلات درباره اهل بیت علیهم السلام؛ ۴. غلات از منظر اهل بیت علیهم السلام.

۳. مهدی مسائلی، کتاب «جریان افراط گرای شیعی»، تهران، نشر آرما، ۱۳۹۷. نگارنده در این کتاب سعی کرده با نگاهی به ریشه ها و علل پیدایی افراط گرایی در شیعه، ویژگی های جریان افراط گرایی شیعی در عصر کنونی را مشخص کند و همچنین، با تذکر پیامدها و خطرات این جریان برای دنیای اسلام، روش شناسی مواجهه با آن ها را نیز ارائه دهد.

۴. مهدی مسائلی، کتاب «درسنامه نقد تشیع انگلیسی»، قم، نشر وثوق، ۱۳۹۸. این کتاب همسو با دیگر کتاب های این نویسنده، به موضوع نقد افراط گرایی مذهبی و وحدت اسلامی در جهان می پردازد و در بخش اول جریان های افراطی و در بخش دوم ویژگی های فکری و رفتاری آن ها را بررسی می کند.

۵. کریم شامی، «نقش محبت اهل بیت علیهم السلام در کمال انسان و رشد فضائل اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی و علامه بحرانی»؛ فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش، شماره ۲۰ و ۲۱؛ زمستان ۹۳ و بهار ۹۴. این مقاله که به نقش و تأثیر محبت اهل بیت علیهم السلام در کمال انسان و رشد اخلاقی او پرداخته، با اشاره به اینکه طبق روایات مراد از اهل بیت علیهم السلام پنج تن آل عبا علیهم السلام و فرزندان شان هستند و این بزرگواران انسان های کامل هستند، در پی اثبات این

شیعه مطلوب از منظر امام صادق علیه السلام با رویکرد انتقادی به افراط‌گرایی... / سرافراز (۱۳۷-۱۵۴) / ۱۴۱

ادعاست که دیگر انسان‌ها برای تکامل، نیاز به ارتباط و اتصال به انسان کامل دارند و یکی از راه‌های تکامل، عشق ورزیدن و محبت به ایشان است که در رسیدن به کمال واقعی تأثیر دارد.

۶. محمدتقی مصباح‌یزدی، «صفات و اوصاف شیعیان واقعی»، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، شماره ۲۱۰، خرداد ۱۳۹۴. این مقاله شرحی است بر صفات و ویژگی‌های شیعیان واقعی از دیدگاه معصومان علیهم‌السلام و اینکه چه ملاک و معیاری برای شناخت مؤمنان واقعی از دروغین وجود دارد.

۷. محمدتقی مصباح‌یزدی، امام رضا علیه السلام و مدعیان تشیع، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، شماره ۲۱۵، آبان ۱۳۹۴. این مقاله شرحی بر کلام امام رضا علیه السلام در باب صفات شیعیان است و اوصاف شیعیان واقعی را از منظر امام رضا علیه السلام بیان کرده است.

۸. احمدرضا مفتاح، جایگاه ولایت و عمل در نجات از نظر شیعه، مجله هفت آسمان، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۶. این مقاله با مفروض گرفتن نقش ایمان در نجات انسان، به بررسی روایاتی پرداخته که فضائل شیعه و نقش نجات‌بخش ولایت را مطرح کرده‌اند.

۹. هادی وحدانی‌فر، تحلیلی بر حدیث ادعای شیعه‌گری به صرف محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، شماره ۲۳۶، مرداد ۱۳۹۶. این مقاله با بررسی حدیث معروف امام محمدباقر علیه السلام خطاب به جابر، به تحلیل ویژگی‌های هفده‌گانه شیعه و سیمای شیعیان واقعی از منظر امام محمدباقر علیه السلام در این روایت پرداخته است.

اما امتیاز و نوآوری نوشتار پیش‌رو در این است که با تکیه بر روایات امام صادق علیه السلام و با مقایسه و تطبیق روایات با آیات قرآن و با رویکرد انتقادی به افراطی‌گری، به بررسی و تحلیل شیعه مطلوب پرداخته است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. شیعه

شیعه در لغت به معنای پیروان، طرف‌داران، یاران و نیز گروهی که بر امری هم‌صدا شده و یکدیگر را در آن یاری کنند اطلاق می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۸: ۱۸۸). همچنین، گفته‌اند

شیعه جماعتی هستند که شخصی به واسطه آن‌ها تقویت می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴۷۰). شیعه در اصطلاح به کسانی گفته می‌شود که به امامت و خلافت بلافصل امام علی علیه السلام معتقدند و اعتقاد دارند که امامت او از طریق نص جلی یا خفی ثابت شده و امامت حق او و فرزندان اوست (مفید، ۱۴۱۳، ۳۵؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۹، ۵۰).

۲-۲. محب

محب از ماده «حَب» و در لغت به معنای دوست داشتن و محب به معنای دوستدار، عاشق، ود، هواخواه و هوادار است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱: ۲۸۹؛ قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ۲: ۹۳) و در اصطلاح و اضافه به واژه «اهل بیت»، به کسانی گفته می‌شود که بدون التفات و اعتقاد به شایستگی و حقانیت اهل بیت علیهم السلام در امامت و خلافت، به سبب سیره و منش اهل بیت علیهم السلام، بیان فضائل و مناقب ایشان در احادیث نبوی و نیز سخنان حکیمانه آن‌ها، به اهل بیت علیهم السلام ارادت و محبت خاص دارند. چنین افرادی در میان اهل سنت نیز فراوانند؛ به گونه‌ای که گاه آنان را به تشیع متصف می‌سازند؛ محمدبن ادریس شافعی از بزرگان و امامان اهل سنت را می‌توان در این گروه قرار داد^۱ (حر عاملی، ۱۴۲۵، ۳: ۳۴۲؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ۱۶: ۱۱۰).

۲-۳. افراط

افراط در لغت به معنای زیاده‌روی و افراط‌گرایی به معنای گرایش داشتن به زیاده‌روی است. افراط نقیض تفریط است و تفریط به معنای کندروی و کوتاهی کردن است. واژگان «افراط» و

۱. قَالُوا تَرَفَّضْتَ قُلْتُ كَلَّا /// مَا الرَّفُّضُ دِينِي وَلَا اِعْتِقَادِي

لَكِنْ تَوَلَّيْتُ غَيْرَ شَكٍّ /// خَيْرَ اِمَامٍ وَ خَيْرَ هَادِي

اِنْ كَانَ حُبُّ الْوَلِيِّ رَفْضًا /// فَاِنِّي اُرْفُضُ الْعِبَادِ

«به من می‌گویند: رافضی گردیده‌ای! حاشا و کلاً! رافضی بودن نه دین من است و نه اعتقاد من. ولیکن بدون شک و تردید، من ولایت بهترین امام و بهترین هدایت‌کننده را دارم. اگر محبت به ولی (امام علی علیه السلام) رَفْضُ به حساب آید، بنابراین من رافضی‌ترین بندگانی خدا هستم». پیداست شافعی، امام علی علیه السلام و فرزندان گرامی او را در کمال علو و ارتقاء می‌بیند و به آنان عشق و محبت ویژه‌ای دارد و اما از خلفای سه‌گانه تبرا نمی‌جوید و برای ایشان فضیلت قائل است و آنان را خلفای پیامبر می‌داند. (حر عاملی، ۱۴۲۵، ۳: ۳۴۲)

شیعه مطلوب از منظر امام صادق علیه السلام با رویکرد انتقادی به افراط‌گرایی... / سرافراز (۱۳۷-۱۵۴) / ۱۴۳

«تفریط» هر دو از ماده «فرط»، به معنای خارج شدن از حد معین است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۷: ۴۱۸؛ ازهری، ۱۴۲۱، ۱۳: ۲۲۷). اگر خروج از حد جلوفتادن باشد افراط و اگر جاماندن و کوتاهی کردن باشد تفریط خوانده می‌شود. منظور از افراطی‌گری در این مقاله، رفتار تند و خشن برخی شیعیان در تعامل و برخورد با اهل سنت و دیگران است که با حقیقت تشیع و اسلام ناب همخوانی ندارد و مخالف با اعتدال و میانه روی مورد تأکید دین اسلام است؛ نه افراط و نه تفریط. قرآن کریم امت اسلامی را امتی معتدل، وسط، میانه و به دور از افراط و تفریط معرفی می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره: ۱۴۳). نکته قابل بیان آن است که افراطی‌گری را می‌توان به ایجابی و سلبی تقسیم کرد؛ در نتیجه، افراطی‌گری دارای دو چهره ایجابی و سلبی است: گاه اعتقاد به تقویت بیش از حد و استحقاق نکات مثبت افراد است، مانند توصیف افراطی و غلوآمیز و خداگونه از انبیا و اولیای الهی و حتی تا مرتبه الوهیت بالابردن که این‌گونه توصیف و تمجیدها و رفتارهای غالبانه با نهی و سرزنش و برخورد شدید امامان مواجه شده است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ۱۰۱). و گاه زیاده‌روی در انتقادات و برجسته‌سازی نکات سلبی افراد است، مانند توهین به پیشوایان و مقدسات اهل سنت، همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا جایی که به تکفیر برسد که البته غیر از تفرقه و شکاف میان مسلمانان ثمره‌ای ندارد.

۳. شاخصه‌های رفتاری افراط‌گرایی

از بررسی رفتارهای جریان‌هایی که به صورت هدفمند با ادعای محبت اهل بیت علیهم السلام و تشیع اصیل و سوءاستفاده از احساسات مذهبی شیعیان به ترویج افراطی‌گری می‌پردازند، چند شاخصه اصلی رفتاری احصاء می‌شود:

۳-۱. ایجاد فضای مواجهه با اهل سنت

جریان‌های افراطی با سوءاستفاده از تعلقات و تعصبات مذهبی مردم، تمام مطالب دینی را به سمت مخاصمه و مواجهه با اهل سنت سوق می‌دهند و از دریچه تنگ اختلافات شیعه و سنی به مسائل دینی نگاه می‌کنند؛ با این رویکرد، مبلغان آنان به بیان مسائلی می‌پردازند که مورد اختلاف شیعه و سنی است و با دامن زدن به این مباحث، به تشدید اختلاف و تقابل دینی و

مذهبی می‌پردازند. این جریان‌ها با تغافل به اصول دین و تأکید بر طرح مباحث حاشیه‌ای درباره ولایت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) پرداخته و در مواجهه با اهل سنت مطالبی را مطرح می‌کنند که اعتقاد به آن‌ها نقشی در اثبات موضوع ولایت ندارد، بلکه می‌تواند عامه مسلمانان را از مسیر ولایت پراکنده و درگیر مجادله‌ها و مخاصمه‌های بی‌حاصل مذهبی کند، مانند هفته برائت هم‌زمان با هفته وحدت و نام‌گذاری روز نهم ربیع با عنوان غدیر ثانی و ایام فرحه الزهرا که چند سال پیش از سوی برخی شبکه‌های ماهواره‌ای مربوط به جریان افراطی تشیع اعلام و موجب اعتراض‌ها و تبلیغات زیادی علیه شیعه شد و یا تجمعات و راهپیمایی‌هایی که در آن‌ها افرادی با پوشیدن لباس‌های رنگی و تمسخرآمیز، به مقدسات اهل سنت توهین می‌کنند، مثل «راهپیمایی علیه سه خلیفه و اجرای مراسم عمرکشان در قم» که شبکه العربیه آن را گزارش کرد.

۲-۳. سطحی‌نگری

سطحی‌نگری از خطرناک‌ترین لغزشگاه‌های دین‌داری است. تشیع افراطی و سلفیت تکفیری، هر دو مدعی دین‌داری و دفاع از دین هستند و خود را دین‌دار اصیل و واقعی معرفی می‌کنند، اما هر دو در فهم، عرضه و دفاع از دین، سطحی‌نگر و ظاهرگرا هستند و درک درستی از آموزه‌های اسلام ندارند. وجه مشترک تشیع افراطی و تکفیری‌های سلفی، در عدم تعقل و سطحی‌نگری و اکتفا به ظواهر است که عامل انحراف آنان از مسیر اسلام ناب شده است. قداست‌بخشی بی‌دلیل یا توهم قداست، نشانه‌ای از سطحی‌نگری است که هر دو جریان تشیع افراطی و جریان سلفی تکفیری در آن مشترکند، مانند اینکه تکفیری‌های اهل سنت، شیعه‌کشی را مستحب و مقدس می‌دانند و بر این باورند که با کشتن شیعه بهشت بر آن‌ها واجب می‌شود و تشیع افراطی نیز در عزای امام حسین (علیه‌السلام) قمه‌زنی می‌کنند و توهین به مقدسات اهل سنت را نیکو می‌پندارند. سطحی‌نگری این دو جریان آنجا آشکار می‌شود که آن‌ها بدون فکر و تحقیق، به گزارش‌های ضعیف و یا جعلی تمسک می‌کنند و با استفاده از توهم ذهنی خود نظر و یا فتوا می‌دهند و سپس دستاورد توهمی خود را فعل مقدس معرفی می‌کنند؛ در صورتی که این نوع نگرش از نظر اسلام و اهل بیت (علیهم‌السلام) مخدوش و غیرقابل پذیرش است، مثل استدلال به حدیث ضعیفی درباره جشن و شادی کردن روز نهم ربیع‌الاول

که به اشتباه به روز مرگ خلیفه دوم مشهور است؛ علامه مجلسی آن حدیث را در بحارالانوار آورده که بخشی از آن چنین است: «هَذَا يَوْمُ الْإِسْتِرَاحَةِ... وَ يَوْمُ الْغَدِيرِ الثَّانِي... وَ يَوْمُ رَفْعِ الْقَلَمِ... وَ يَوْمُ عِيدِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ وَ يَوْمُ يَسْتَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءُ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۱: ۱۲۷)؛ [نهم ربیع الاول] روز استراحت... و روز غدیر دوم... و روزی است که موکلان گناه انسان را نمی‌نویسند... و بزرگ‌ترین عید خداست و روزی است که دعا مستجاب است». در حالی که این روایت هم به لحاظ سندی و هم دلالت مشکل دارد، چون بنابر نظر بزرگان شیعه و سنی، نهم ربیع روز مرگ عمر بن سعد است، نه خلیفه دوم (مفید، ۱۴۱۴، ۴۲؛ سیدبن طاووس، ۱۳۷۶، ۲: ۳۷۹ و ۳: ۱۱۳؛ علامه حلی، ۱۴۰۸، ۳۲۸-۳۳۱).

۳-۳. جابه‌جایی اصول و فروع

وقتی تعقل جای خود را به احساس و سلیقه و رأی و نظر شخصی و گروهی بدهد، جای اصل و فرع عوض می‌شود. اینکه در واقعه عاشورا بعضی از مسائل فرعی تاریخی برجسته شده و به منزله اصول خدشه‌ناپذیر مذهبی از آن‌ها یاد می‌شود و اظهار نظرهای تاریخی و علمی دانشمندان فرهیخته شیعه مورد لعن و دشنام و اتهام انحراف قرار می‌گیرد، ثمره این تفکرات است؛ به گونه‌ای که بحث علمی و تاریخی درباره مسائل بسیار فرعی و جزئی، مانند عروسی حضرت قاسم علیه السلام با برخورد شدید آن‌ها مواجه می‌شود و متفکری همچون استاد شهید مطهری مورد لعن و توهین واقع می‌شود. جریان تشیع افراطی به علت ضعف در خردورزی در تفکیک مسائل اصلی و فرعی اسلام ناتوان است و یا همه را باهم خلط کرده و یا جای اصل و فرع را عوض می‌کند؛ از این رو، مسئله وحدت را که برای جهان اسلام بسیار حیاتی است رها کرده و بر طبل اختلاف با اهل سنت و حتی تشیع می‌کوبند؛ مثلاً انگیزه‌ای برای دفاع و تقویت جبهه مقاومت اسلامی که از مسائل مهم و حساس تلقی می‌شود ندارند و چون بیشترشان از اهل سنت هستند، در تضعیف آن می‌کوشند. یا به برخی مسائل عزاداری، مانند قمه‌زدن و لطمه‌زدن و خراشیدن صورت که مورد نهی مراجع تقلید است تأکید و اصرار می‌کنند، اما به ظلمی که به مسلمانان در جهان می‌شود بی‌تفاوت هستند و بلکه با عاملان اصلی آن در صلح و دوستی به سر می‌برند (مسائلی، ۱۳۹۸، ۸۸).

۳-۴. دامن زدن به تعصبات کور مذهبی و ترویج انحصارگرایی در اندیشه دینی

جریان‌های افراطی تکلیف و رسالت خویش را مقابله و دشمنی با جریان وهابیت می‌دانند و با این عنوان تقابل خویش با تمام مسلمانان را توجیه می‌کنند، اما عملکردشان همسو با وهابیت است و منطبق با آنان حرکت می‌کنند که با مطلق‌گرایی و انحصارگرایی شدید دینی، کوچک‌ترین مخالفت با اندیشه‌های خویش را عامل خروج از مسیر شریعت و موجب کفر دیگران می‌دانند؛ از این رو، نه تنها شیعه را تکفیر می‌کنند، بلکه دیگر مسلمانان را نیز منحرف می‌دانند و ابایی از تکفیر آن‌ها ندارند. این همان رفتاری است که جریان افراط‌گرای شیعه دارد که کمترین زاویه با اندیشه‌های خویش را بر نمی‌تابد و با معیار برای پذیرش شریعت، تکفیر و تفسیق مسلمانان و حتی دیگر شیعیان را افکار و آراء خویش می‌داند. (مسائلی، ۱۳۹۸، ۹۷-۹۸)

۳-۵. فرقه‌سازی در جامعه شیعی

پس از ایجاد فرقه‌هایی مانند بهابیت از درون تشیع که خود را دین و مذهبی نو معرفی کرده و عملاً از مذهب تشیع جدا شدند، دستور کار و توطئه جدید دشمنان اسلام، ترویج افراط‌گرایی مذهبی از سوی افرادی در لباس عالمان دینی بود که با مصادره نام تشیع برای تفکر خویش، دیگران را منحرف و خارج از مذهب تشیع معرفی کنند. این جریان با مخالفت و رد وحدت اسلامی، عملاً فرقه‌گرایی و تفرقه در امت اسلامی را ترویج می‌دهند. یکی از شخصیت‌های این جریان که داعیه مرجعیت هم دارند، در کتابی با عنوان «حقیقت وحدت در دین» چنین می‌نویسد: «شعار بی‌شعور وحدت بین شیعه و سنی و تقریب ادیان و مذاهب و... که در مملکت حضرت صاحب الزمان علیه السلام داده می‌شود و عامه مردم از حقیقت این امر ناآگاهند، نقشه شیطانی برای خلط بین حق و باطل و تضعیف حق و تقویت باطل است که سرانجام به نابودی حق منتهی می‌شود» (جویباری، ۱۳۸۲، ۷۴).

۳-۶. ترویج روحیه اخباری‌گری

اخباریون برخلاف اصولیون که در احکام شرعی اسلام را براساس قرآن، سنت، عقل و اجماع استنباط می‌کنند و از اصول فقه و قواعد عقلی آن در استنباط احکام از روایات و

شیعه مطلوب از منظر امام صادق علیه السلام با رویکرد انتقادی به افراط‌گرایی... / سرافراز (۱۳۷-۱۵۴) / ۱۴۷

به‌دست آوردن احکام شرعی بهره می‌برند، برای دستیابی به احکام فقهی، تنها به روایات و احادیث اکتفا می‌کردند و منکر اجتهاد و کاربرد قواعد اصول فقه در استنباط شرعی بودند. اگرچه اخباری‌گری اصطلاحی دیگر امروز بروزی ندارد، روحیه اخباری‌گری از بین نرفته و جریان افراط‌گرای شیعه به‌نحو گسترده‌ای در حال گسترش روحیه اخباری‌گری در جامعه شیعه هستند و در این مسیر ابایی از توهین و تکفیر مراجع و علمای بزرگ شیعه ندارند. جریان تشیع افراطی خود را اخباری نمی‌داند، اما در عملکردشان همسو با شیوه و روش اخباری هستند و به خبرهای ضعیف عمل می‌کنند، نظیر نگرشی که در سلفی تکفیری اهل سنت نیز وجود دارد و براساس ظاهر هر خیر منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می‌کنند و فتوا می‌دهند (مسائلی، ۱۳۹۸، ۷۱-۷۵).

۳-۷. ترویج شعار جدایی دین از سیاست

جریان افراط‌گرای تشیع همواره حامی شعار «جدایی دین از سیاست» هستند، ولی در مقابل حکومت اسلامی، همسو با جریان استکبار مواضعی سیاسی اتخاذ کرده و با برجسته‌کردن مشکلات اقتصادی و فرهنگی، به مبارزه عملی با نظام جمهوری اسلامی می‌پردازند و با عنوان عمل به تکلیف شرعی، شدیدترین موضع‌گیری‌ها را در برابر نظام اسلامی دارند (مسائلی، ۱۳۹۸: ۹۰-۹۱).

امام خامنه‌ای با توجه به تلاش برخی فرقه‌ها برای جداکردن دین از سیاست در هیئت‌های عزاداری، در دیدار اعضای هیئت رزمندگان اسلام فرمود: «هیئت‌ها نمی‌توانند سکولار باشند؛ ما هیئت امام حسین سکولار نداریم! هرکس علاقه‌مند به امام حسین علیه السلام است، یعنی علاقه‌مند به اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون‌دادن و جان‌دادن است؛ معنای اعتقاد به امام حسین علیه السلام این است...» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای ستاد مرکزی هیئت رزمندگان اسلام، ۱۳۹۲/۸/۲۰).

۴. تبیین و تحلیل صفات شیعه در کلام اهل بیت علیهم السلام

در حالی که افراطی‌های شیعه بر طبل تفرقه کوبیده و با برجسته‌کردن مشکلات و اختلاف‌ها مدعی تشیع ناب هستند، سیره و سخن اهل بیت علیهم السلام سراسر تلاش و توصیه بر تعامل و وحدت

امت اسلام و محبت و عطوفت به برادران دینی و شدت و غلظت به کفار و دشمنان است. در میان روایات متعددی که درباره ویژگی های شیعه از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده، روایات گزارش شده از امام صادق علیه السلام جایگاه شاخص و برجسته ای دارند. بخش عظیمی از این روایات، ناظر به ویژگی های رفتاری شیعه است و در واقع ائمه طاهرين علیهم السلام به دنبال تبیین و ترسیم چهره مطلوبی از شیعیان بوده اند که به نمونه هایی از این روایات اشاره می شود:

۱. امام رضا علیه السلام در تبیین ملازمه بین محبت به اهل بیت علیهم السلام و انجام اعمال نیک و صالح می فرمایند: «لَا تَدْعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَ الْاجْتِهَادَ فِي الْعِبَادَةِ اِتْكَالًا عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ لَا تَدْعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِهِمْ اِتْكَالًا عَلَى الْعِبَادَةِ فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۵: ۳۴۷-۳۴۸)؛ اعمال نیک و جدیت در عبادت را به اتکای دوستی آل محمد علیهم السلام رها نکنید و محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام را به اتکای عبادت از دست ندهید، زیرا هیچ یک از این دو، به تنهایی پذیرفته نمی شود».

در این روایت و نمونه های مشابه، پیشوایان معصوم علیهم السلام پیروان خود را از بی عملی، تفریط و بی توجهی به انجام اعمال نیکو نهی کرده و درعین حال، بر اهمیت محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام تأکید می کنند. اینکه در ابتدا بر اعمال نیک و عبادت تأکید و آن را مقدم کرده اند نیز می تواند قرینه ای بر اهمیت انجام اعمال و تأثیر آن ها در سعادت مندی انسان داشته باشد. در هر حال، مطابق با این گونه روایات، عبادت و عمل صالح با محبت آل محمد علیهم السلام لازم و ملزوم هم و بسان دو بال برای عروج و پرواز هستند که هریک بدون دیگری پذیرفته نیست؛ در واقع، در این گونه روایات امامان علیهم السلام با پیوند محبت اهل بیت علیهم السلام با عمل صالح و انجام دستورات الهی، محبت صادقانه و راستین را ملازمه محبت و عمل دانسته و از پیروان خود انتظار چنین رفتاری را دارند. محبت ناب و خالص، انسان را همراه و هم رنگ محبوب می سازد و از هرگونه افراط و تفریط بر حذر می دارد. محبت به خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله، امامان علیهم السلام یا هر محبوب دیگری، انسان را از مخالفت و ایجاد ناراحتی و نارضایتی در محبوب و ارتکاب رفتاری برخلاف خواسته و میل و رضای او باز می دارد. امام صادق علیه السلام نشانه صداقت در ادعای محبت را پیروی در رفتار می دانند. در روایتی از ایشان گزارش شده که فرمودند: «مَا أَحَبَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَنْ عَصَاهُ (ثُمَّ تَمَثَّلَ فَقَالَ):

تَعْصِي الْإِلَٰهَ وَ أَنْتَ تُظْهِرُ حُبَّهُ هَذَا مُحَالٌ فِي الْفِعَالِ بَدِيْعٌ
لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَا طَعْنَتَهُ إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ يَحِبُّ مُطِيعٌ

یعنی: کسی که خدای را عصیان و نافرمانی کرد، خدا را نشناخته است (و سپس این شعر را سرودند):

خدا را نافرمانی می‌کنی، درحالی که اظهار محبت به او داری! به جان تو قسم که این کار در میان کارها بسیار تازه و عجیب است! اگر محبت تو راست بود، حتماً از او اطاعت می‌کردی، چراکه محب، مطیع و فرمان‌بردار محبوب خود است (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۴۸۹).

۲. امام صادق علیه السلام در روایت دیگری در بیان اوصاف شیعیان می‌فرماید: «لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ قَالَ بِلِسَانِهِ وَ خَالَفَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَ آثَارِنَا وَ لَكِنْ شِيعَتُنَا مَنْ وَافَقَنَا بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ اتَّبَعَ آثَارَنَا وَ عَمِلَ بِأَعْمَالِنَا أَوْلِيكَ شِيعَتُنَا (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵: ۲۴۷)؛ از شیعیان ما نیست کسی که به زبان [شیعه‌بودن را] اظهار کند و در رفتار مخالف ما و رفتار ما باشد. شیعه کسی است که با زبان و قلبش موافق ما باشد و از آثار ما پیروی کند و طبق رفتار ما رفتار کند؛ آن‌ها شیعیان ما هستند».

در این روایت و روایات مشابه نیز شیعه حقیقی و واقعی را فراتر از مدعی زبانی دانسته و صرف ادعای تشیع و پیروی از اهل بیت علیهم السلام را برای شیعه‌بودن کافی نمی‌دانند. ملاک در تشیع، تطابق عقیده و نیز گفتار و رفتار با سیره معصومان علیهم السلام است. بنابر قواعد نحوی، صفت موصوف را توضیح می‌دهد، ولی در صورتی که قطع از تابعیت شود، دلالت بر مبالغه می‌کند؛ در اینجا نیز براساس همین قاعده، تأکید جمله همراه با مبالغه نیز هست.

۳. «إِيَاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يَعْزُونَ بِهٖ فَإِنَّ وِلْدَ السَّوْءِ يَعْزِي وَاوَالِدُهُ بِعَمَلِهِ كَوْنُوا لِمَنْ انْقَطَعْتُمْ إِلَيْهِ زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شِينًا صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَ عُوذُوا مَرَضَاهُمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ لَا يَسْبِقُونَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِّنَ الْخَيْرِ فَاتَّبِعُوا أَوْلِيَ بِهِ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخَبِّ قُلْتُ وَ مَا الْخَبُّ قَالَ التَّقِيَةُ (کلینی، ۱۴۲۹، ۲: ۲۱۹)؛ از اینکه کاری کنید که در برابر مخالفان مایه سرزنش ما شود به شدت پرهیزید، زیرا مردم پدر را به خاطر اعمال فرزند بدش ملامت می‌کنند. سعی کنید مایه زینت و آبروی ما باشید، نه عیب ما. در مراکز آن‌ها [اهل تسنن]

نماز بگزارید و از بیماران عیادت کنید و در مراسم تشییع جنازه آن‌ها حاضر شوید و در هر کار خیر پیش قدم شوید [و در این راه در صورت لزوم به خاطر جلب محبت و اتحاد، اختلاف خود را کتمان کنید]. به خدا سوگند بهترین عبادت [در این گونه موارد] کتمان است. راوی حدیث می‌گوید: پرسیدم کتمان چیست؟ فرمودند: تقیه».

روایاتی از این دست که بر رفتار و آداب معاشرت تمرکز دارند، به صراحت بر مواسات و برادری و رعایت اخلاق اسلامی و تعامل با مخالفان و عامه تأکید دارند. این رفتار نه در خفا و پنهان، بلکه آشکارا و در عرصه‌های عمومی و اجتماعی، همچون نماز جماعت، تشییع جنازه و عیادت از بیماران و کارهای خیر عمومی توصیه شده است. تعامل و برادری و حفظ وحدت اسلامی آن قدر ارزش و اهمیت دارد که امام به تقیه و کتمان عقیده و همراهی با مخالفان توصیه می‌کنند.

۴. «زَيْدُ الشَّحَامِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَفْرَأُ عَلَى مَنْ تَرَى أَنَّهُ يَطِيعُنِي مِنْهُمْ وَيَأْخُذُ بِقَوْلِي السَّلَامَ وَ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَ الاجْتِهَادِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ طَوْلِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ فِيهِذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ أَدَّوَا الْأَمَانَةَ إِلَيَّ مِنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَيْهَا بَرًّا أَوْ فَاجِرًا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَأْمُرُ بِآدَاءِ الْخَيْطِ وَ الْمَخِيطِ صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُدُّوا مَرْضَاهُمْ وَ آدُوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ آدَى الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِي فَيَسْرُنِي ذَلِكَ وَ يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السُّرُورُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ وَ إِذَا كَانَ عَلَيَّ غَيْرَ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بِلَاؤُهُ وَ عَازُهُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ (كليني، ۱۴۲۹، ۲: ۶۳۶)؛

زيد شحام می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمودند: به هرکس از مردم که می‌بینی از من پیروی می‌کنند و به گفتار من عمل می‌کنند، سلام مرا برسان و من به شما سفارش می‌کنم که در برابر خدای عزوجل تقوا داشته باشید و در دین خود پارسا باشید و در راه خدا کوشش کنید. شما را به راست‌گویی و ادای امانت و سجده طولانی و نیکی با همسایه سفارش می‌کنم، زیرا محمد صلی الله علیه و آله همین دستورات را آورده است. هرکه به شما امانت سپرده به او پس بدهید، چه نیک‌رفتار باشد، چه بدکردار، زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور می‌دادند که سوزن و نخ را نیز به صاحبش پس دهید. (سپس درباره مخالفان سفارش فرمودند:) و به جنازه مرده‌هاشان حاضر شوید و بیماران‌شان را عیادت کنید و حقوق‌شان را بپردازید، زیرا درباره

هرکس از شما که در دینش پارسا و راست‌گو باشد و امانت را به صاحبش برگرداند و اخلاقش با مردم خوب باشد گویند: «این جعفری است» و این مرا شاد می‌کند و از جانب او شادی در (دل) من می‌آید و گویند: «این روش پسندیده جعفر بن محمد است...».

در این روایت نیز امام به روشنی، تمام کسانی را که ادعای پیروی از ایشان را دارند، به حُسن رفتار و معاشرت نیکو با برادران دینی از اهل سنت توصیه فرموده و بیان می‌دارند که این گونه رفتار موجب شادمانی ما و روش پسندیده ما است و شیعه و پیرو حقیقی باید چنین کرداری داشته باشد؛ پس، خلاف این رفتار باعث ناراحتی و نارضایتی امام و روش و رفتاری ناپسند و خلاف سیره ایشان است. در تمام میراث حدیثی شیعه روایت صحیح السنندی یافت نمی‌شود که به عناد و برخورد و مجادله و دشمنی با مخالفان ترغیب و توصیه کرده باشد. همچنین، صرف ادعای محبت، مجوّزی برای اباحی‌گری و لاابالی‌گری نیست. همچنان‌که در قرآن کریم هیچ‌گاه افراط و تفریط تأیید نشده است.

نتیجه‌گیری

تشیّع، اعم از محبت و مودت اهل بیت علیهم السلام است و صرف ادعای محبت به ایشان، در اثبات آن کفایت نمی‌کند. محب اهل بیت علیهم السلام لزوماً برابر با شیعه مطلوب و حقیقی نیست و اثبات تشیّع حقیقی و مطلوب اهل بیت علیهم السلام، در گرو انجام واجبات، ترک محرّمات و توجه به مستحبات و مکروهات و به‌طور کلی رفتار منطبق با موازین شرعی است و با اباحی‌گری و افراطی‌گری هیچ‌ساختی ندارد. اینکه با ادعای حب اهل بیت علیهم السلام در انجام فرائض سهل‌انگاری شود و یا به بهانه محبت ایشان و بی‌زاری از دشمنان، با دیگر پیروان مذاهب و مخالفان، رفتارهای افراطی و تکفیری انجام پذیرد، در تضاد با آموزه‌های قرآنی و روایی و سیره اهل بیت علیهم السلام است. گزارشات صحیح و متقن از سیره اهل بیت علیهم السلام همه دلالت بر لزوم وحدت و برادری و مهربانی با برادران دینی و پرهیز از برخوردهای نابخردانه و افراطی دارد. توجه به ظواهر و استناد به روایات ضعیف، تکیه بر تفسیرهای به‌رأی و سلیقه‌های شخصی و گروهی، بی‌توجهی به عقل و برهان و قواعد عقلی و سطحی‌نگری در برخورد با آموزه‌ها و شعائر دینی، موجب کج‌فهمی و بدفهمی و افراط و تفریط در رفتار می‌شود.

از این رو، ادعای محبت اهل بیت علیهم السلام، با افراطی‌گری، مخاصمه و مجادله و دشمنی و ارتکاب گناه ناسازگار و در تناقض است و تیرا و تولا ملازمه و موافقتی با توهین و برخوردهای اختلاف‌انگیز که موجب پراکندگی و تضعیف و تفرقه در امت اسلام می‌شود، ندارد. این همه توصیه و تأکید و ترغیب به مواسات و برادری و همراهی با برادران دینی که در روایت صحیح گزارش شده، چگونه با رفتارهای افراطی و تفرقه‌افکنانه جریان‌های افراطی به نام تشیع سازگار است؟ این گمان هم که صرف محبت اهل بیت علیهم السلام، هرچند با ارتکاب معاصی و کبائر، نجات‌بخش است، در تضاد با آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام است. بلکه به عکس، اعمال صالح، باعث تقرب به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است و گناه و رفتار ناشایست، به فاصله و دوری و جدایی از اهل بیت علیهم السلام می‌انجامد؛ امام زمان علیه السلام در توقیع شریف‌شان به شیخ مفید می‌فرمایند: «فَلْيُعْمَلْ كُلُّ امْرِيٍّ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَيَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتَةٌ فُجَاءَةٌ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ...» (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۴۹۸)؛ هرکدام از شما کاری کند که به واسطه آن، به محبت و دوستی ما نزدیک شود و از آنچه ناخوشایند ما است و موجب کراهت و خشم ما می‌شود اجتناب کند، زیرا امر ما به طور ناگهانی می‌رسد؛ در زمانی که توبه و بازگشت دیگر سودی نخواهد داشت و پشیمانی از گناه او را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد». بنابراین، آموزه‌های اسلامی و شیعی نه افراط را تجویز می‌کنند و نه تفریط و کوتاهی در رعایت احکام اسلامی را.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

قرآن کریم

حسن بن علی علیه السلام، (۱۴۰۹). التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه السلام، تحقیق و تصحیح مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الامالی للصدوق، بیروت، الاعلمی.

ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین.

شیعه مطلوب از منظر امام صادق علیه السلام با رویکرد انتقادی به افراط‌گرایی... / سرافراز (۱۳۷-۱۵۴) / ۱۵۳

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶). الاقبال بالاعمال الحسنة (ط- الحديثة)، تحقیق و تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴). لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر- دارصادر.

ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱). تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن، تحقیق جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵). اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت، الاعلمی.
_____ (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه، تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

حلی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر (۱۴۰۸). العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، تحقیق و تصحیح مهدی رجائی و محمود مرعشی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم - الدارالشامیه.

ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۹). فرق و مذاهب کلامی، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
رستگار جویباری، یعسوب الدین (۱۳۸۲). حقیقت وحدت در دین و حکمت عید الزهراء علیها السلام، قم، دفتر آقای جویباری.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۴). الملل و النحل، تحقیق محمد بدران، قم، الشریف الرضی.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین.
طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). الاحتجاج علی اهل اللجاج (للطبرسی)، مشهد، مرتضی.
طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
_____ (۱۴۰۶). الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، بیروت، دارالاضواء.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). العین، قم، نشر هجرت.

فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی (۱۴۱۴). نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم، هجرت.

قرشی بنابی، علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). کافی، قم، دارالحديث.

لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ، قم، دارالحديث.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۵۴ / دوفصلنامه مطالعات دینی نبوت و امامت / سال اول / شماره اول / بهار و تابستان ۱۴۰۳

مسائلی، مهدی (۱۳۹۸). جریان افراط‌گرایی شیعه، مختصات فکری و رفتاری، تهران، آرما.
مشکور، محمدجواد (۱۳۶۲). تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم، تهران، اشراقی.
مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳). اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، قم، المؤتمر
العالمی للشیخ المفید.

_____ (۱۴۱۴). مسار الشیعه، بیروت، دارالمفید.

هاشمی خویی، میرزاحبیب‌الله (۱۴۰۰). منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی)، تهران،
مکتبه الاسلامیه.

